

خوئان سولدادو

پیل واندروود

ترجمه هادی همامی



انتشارات سما

این کتاب ترجمه ای است از:

Juan Soldado
Written by : paul vanderwood

سرشناسه	: واندروود، پل ج. - ۱۹۲۹ - م.
.Vanderwood	. Paul J
عنوان و نام پدیدآور	: خویان سولدادو/پل واندروود : ترجمه‌ی هادی همایی.
مشخصات نشر	: رشت: سمم، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ - س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۷-۰۵-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
پادداشت	: عنوان اصلی:
	Juan Soldado : rapist. murderer. martyr. saint. ۲۰۰۴.
موضوع	: کاستیلو مورالس، خوان، - ۱۹۳۸ م.
موضوع	Castillo Morales, Juan
موضوع	: میکزیک--آداب و رسوم دینی.
شناسه افزوده	: همایی، هادی، ۱۳۲۶ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ خ ۳۵/۸۷۹ BL۲۵۳
رده بندی دیویی	: ۹۷۲/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۵۱۶۱



خوان سولدادو

نویسنده: پل واندروود

مترجم: هادی همایی

صفحه آرا: مهسا داودی

طرح جلد: یاشار عبدالله زاده

چاپ اول: ۱۳۹۰

چاپ: توکل

تیراژ: ۱۵۰۰

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۷-۰۵-۳

ISBN: 978-600-5417-05-4

همه حقوق چاپ و نشر کتاب برای ناشر محفوظ است.

انتشارات سمم

رشت - مخ مطهری - پلاک ۸۸ - تلفن: ۰۱۳۱-۳۲۲۰۷۸۹

E - mail: SOMAM_PUBLISHING @ YAHOO.COM

فهرست

۹	درباره ی نویسنده
۱۰	پیشگفتار مترجم
۱۳	نقدی بر کتاب خوئان سولدادو
۱۸	مقدمه ی نویسنده
۲۵	۱. جنایت
۲۷	۱.۱. تاملی در باب جنایت
۹۳	۲. پیامدها
۱۲۷	۲.۱. اوضاع و احوال
۱۲۹	۳. تیخوانانا
۱۷۷	۴. مکزیکی برای مکزیکی ها
۲۱۵	۵. چرخ و فلک هواری
۲۶۹	۳. اعتقاد
۲۷۱	۶. شاهد اعدام
۳۱۵	۷. مجرمان و قدیسان
۳۷۲	۸. در جوار حق
۴۱۴	۹. سرباز جان
۴۴۱	نمایه ی موضوعی
۴۴۶	اعلام
۴۵۲	تصاویر
۴۷۷	پی نوشت ها
۴۹۵	فهرست منابع

من مانند زندگان احساس نمی‌کنم که با خدا معامله می‌کنم. به آن‌ها که چنین احساسی دارند حسودیم می‌شود، زیرا می‌دانم داشتن چنین احساسی بسیار کمک حال من خواهد بود. - ویلیام جیمز

هزار ایمان، گفتگوی مدام با شک است. اسقف جی.آ. رابینسن.

اعتقاد من به مسیح و اعتراف نزد وی بی‌گانه نیست. تسبیح گویی من از بوته‌ی تردید بیرون آمده است. - فنودور داستایوفسکی

خداوندا، ایمان دارم! به یاری ایمان اندکم بیا! انجیل مرقس، باب نهم، آیه‌ی بیست و چهار^۱

۱- عهد جدید، براساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار. چاپ دوم. تهران:

درباره‌ی نویسنده

پل واندروود استاد ممتاز تاریخ مکزیک در دانشگاه ایالتی سن دیه‌گو، متولد سال ۱۹۲۹ در بروکلین نیویورک است. برخی از کتاب‌های او عبارتند از "قدرت خدا علیه سلاح‌های حکومت: ناآرامی‌های مذهبی در مکزیک در اوایل قرن نوزدهم" (۱۹۹۸)، "آشوب و پیشرفت: راهزنان، پلیس و حکومت مکزیک" (ویرایش تازه با اضافات، ۱۹۹۲)، "آشوب و پیشرفت: راهزنان، پلیس و حکومت مکزیک" (۱۹۸۱). وی نویسنده‌ی همکار (با فرانک ان. سامپورانو) کتاب‌های "ترس از جنگ در ریو گرانده: عکس‌های رابرت رانیون از برخوردهای مرزی ۱۹۱۶-۱۹۱۳ (۱۹۹۲) و "خشم مرزی: تاریخچه‌ی مصور انقلاب مکزیک و آمادگی جنگی امریکا، ۱۹۱۷-۱۹۱۰" (۱۹۸۸) نیز هست.

پیشگفتار مترجم

سال ۱۹۳۸ در تیخونانای مکزیک، کودک هشت ساله‌ای برای خرید از خانه خارج می‌شود. سربازی به نام خونان کاستیو مورالس که بعدها به خونان سولدادو (سرباز خونان) مشهور شد، او را به قتل می‌رساند، سپس به وی تجاوز می‌کند. متهم پس از دستگیری به گناه خود اعتراف می‌کند. مقامات برای خاموش کردن اعتراضات مردمی، طی یک دادرسی شتابزده وی را برای اولین و آخرین بار در تاریخ مکزیک، به اعدام نمایشی در ملا عام محکوم می‌کنند. به این صورت که به سرباز فرمان داده می‌شود "سعی کند فرار کند" و حین فرار تیربارانش می‌کنند.

اجحافی که در حق خونان سرباز صورت گرفت در ذهن توده‌ی مردم تیخونانا ابعاد گسترده‌ای پیدا می‌کند؛ تردیدهای اولیه در مورد اجرای درست عدالت اندک‌اندک به تردید در اصل مجرمیت می‌انجامد. ذهن افسانه‌پرداز عامه دست به کار می‌شود و از قاتلی متجاوز، بیگانه‌ی مبرا ساخته می‌شود. کتاب شرح این استیصال ذهنی است.

چند نکته در مورد صورت و محتوای کتاب گفتنی است. نویسنده روایت خود را از این ماجرا به سه بخش تقسیم می‌کند: نخست گزارشی تفسیری - تحلیلی از اصل رویداد از جنایت تا اعدام مجرم به دست می‌دهد؛ در بخش دوم، به اوضاع و احوال پیش از وقوع قتل می‌پردازد و روایت پرآب‌وتاب و جانداري از اوضاع اجتماعی و اقتصادی تیخونانا ارائه می‌کند که منجر به آشوب‌های عدالت‌خواهانه به بهانه‌ی جنایت

صورت گرفته شد. بسیاری از منتقدان کتاب، این بخش را زنده‌ترین فصل آن دانسته‌اند، هر چند شاید برای خواننده‌ی شتابزده چنین بنماید که نویسنده از مرحله به دور افتاده است. بخش سوم تجزیه و تحلیل اعتقاد عوام از این رویداد و بررسی چند و چون ذهنیت عامیانه در پیدایش باورهای مذهبی است. این بخش علاوه بر تحلیل ماجرا به بررسی تطبیقی دینداری عامیانه نیز پرداخته می‌شود.

اگر خواننده پیشاپیش دو نکته را مد نظر قرار دهد، به زعم این جانب، بهره‌ی بیشتری خواهد برد: نخست این که نویسنده استاد دانشگاه و کارشناس تاریخ مکزیک است و قضایا را از منظر تاریخ می‌بیند. بنابراین، دیدگاهی که او برای تجزیه و تحلیل این رویداد انتخاب کرده است، الزاماً نباید و نمی‌تواند با مبانی مذهبی سازگاری صرف داشته باشد. دیگر آن که کتاب یک نمونه‌ی تحلیلی از مورد شناسی case study را ارائه می‌کند: رویداد خاصی در زمان و مکان خاصی به نتیجه‌ی خاصی رسیده و به گفته‌ی نویسنده «به ظاهر» [مورد] خونان سولدادو از این بابت منحصر به فرد است. بزرگ‌نمایی آن کوچک‌شماری متوله‌های دیگر است. الغرض، به گفته‌ی رنالد شیراز:

من این دو حرف نوشتم چنان که غیر بداند است

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی
در ترجمه‌ی کتاب از تمام امکانات ارضی و سماوی (اینترنت، فرهنگ اسپانیایی و مکزیکی، فوروم زبان انگلیسی و غیره و ذالک) بهره بردم تا بتوانم این بار سنگین را سالم به مقصد برسانم. هر چند متوجهم در این دیار، "مخدوم بی عنایت" است، با وصف‌براین، اگر خواننده‌ی آگاه کاستی‌های بی‌تردید ترجمه را به هر طریق آشکار کند، صاحب این قلم "مزد خدمت" خود را گرفته و خویش را رهین "منت" خواهد دانست.

نقدی بر کتاب خونان سولدادو

خواندن کتاب خونان سولدادو به ما یادآور می‌شود که مذهب عامه می‌تواند معمایی باشد. کتاب ماجرای عجیب و جذاب یک جنایت جنسی را تعریف می‌کند که به اعتقاد مذهبی منتهی می‌شود. در سال ۱۹۳۸ در شهر مرزی و سوارالود تیخونانی مکزیکی، سرباز جوانی به نام خونان کاستیو مورالس، دقیقاً بیست و یک ساله، ظاهراً به دختر هشت ساله‌ای به نام اولگا کاماچو تجاوز کرده و او را کشته بود. سرباز در یک دادگاه نظامی طی مدارک مفصل و اعتراف پرسش برانگیزی، به مرگ محکوم و در گورستان شهر به دست جوخه‌ی آتش اعدام سپرده شد. گفته می‌شود که چندی پس از خاکسپاری در از زمینی که او در آنجا به خاک افتاده بود، خون جاری شد.

گفته می‌شود که "آنیما"ی او مدعی بیگناهی‌اش شده بود. خونان، دست کم برای برخی، به صورت قدیس عامه در آمده است. پس از شصت سال از این جنایت و اعدام، پیروان قلبی هنوز به ازای کمکی که از او در حل مشکلات زندگی خود گرفته‌اند، برایش نذر می‌کنند. خونان

سولدادو سه بخش دارد: جنایت و پیامدهای آن و تیخونانا و اعتقاد تاریخیجهی تیخونانا که پیش زمینهی بحث نهایی دربارهی اعتقاد است. به خودی خود جذاب است. هرچند. کتاب یک پژوهش موردی در مورد کاتولیسیسم عامه محسوب می شود و سهمی در افزایش منابع و مأخذ روز افزون در مورد حدود و ثغور و مرزها دارد.

ماجرای گیرایی است. همچنان که ماجراهای مربوط به جنایت و مکافات اغلب گیرا است. اما در این یکی، پرسش های گیج کننده ای در باب ارتباط بین خشونت و تقدس و تجسم اجتماعی و ندامت های شبح وار طنین انداز است. بل جی. واندرود از این نکته غفلت نمی کند که ماجرای خونان الگو برداری از مصائب مسیح است: خونان هم مانند مسیح پس از این که وی را مانند یک مجرم عادی در ملاء عام اعدام کردند، قاپس شد.

با خواندن خونان سولدادو آدمی نه تنها به یاد تصلیب و جایگاه آن در فرهنگ مکزیک می افتد. بلکه "اسال مقدس" آگامبن^۱ "خشونت و تقدس" ژیرار^۲ و "مواد روحی" گوردون^۳ و "انضباط و خشونت" فوکو^۴ را به یاد می آورد. واندرود به فوکو اشاره دارد: شیوهی اعدام خونان - در ملاء عام و با خشونت و احتمالاً نیت های از "لی فوگا"،^۵ گرچه این مورد آخری محل تردید است - به زعم فوکو نشان دهندهی پسر وی به شیوه های ابتدایی تنبیه است. در حالی که این مراسم رویکرد

۱- جورجو آگامبن - ۱۹۹۲ فیلسوف و جامعه شناس ایتالیایی. کتاب "وسایل جنگ" او به فارسی منتشر شده است.

۲- رنه ژیرار - ۱۹۶۳ جامعه شناس و فیلسوف فرانسوی

۳- آوری اف گوردون. جامعه شناس آمریکایی. کتاب دیگر او "وقت را غنیمت شمردن" است

۴- میشل فوکو - ۱۹۸۴-۱۹۶۶ فیلسوف فرانسوی

۵- وادار کردن مجرم به فرار و تیراندازی به پشت او.

فوکو را به یاد می‌آورد که قربانیان اعتراف کرده و در سلاء اعدام شده حالت تقدس به خود می‌گیرند. گرچه یاغی اعدام می‌شود نه شهید، با وجود این، پس از این قضیه به صورت قربانی شهید در می‌آید. به علاوه، او در صحنه‌ی اجتماع ظاهر می‌شود که نشان می‌دهد اشباح کسانی که به اشتباه کشته شده‌اند، ظاهر می‌شوند، که شباهت بسیار دارد به گناهی که در یاد تجاوزکاران می‌ماند.

خنوان سولدادو حاصل سال‌ها نوشتن و اندروود در مورد افراد بومی ایالات متحده و مکزیک است. او پیش از این که تاریخ‌نگار مکزیک باشد، در کار روزنامه‌نگاری برای نشریات اسکریپز هاوارد^۱ بود و جنبش حقوق مدنی را در میانه‌های جنوب پوشش می‌داد. پژوهش‌های دیگر او شامل تک‌نگاری‌هایی در باب سرفقت‌های محلی و قیام‌های مذهبی مکزیک است. مهارت و بصیرتی که در آثار پیشین رشد یافته و صیقل خورده در اینجا محمل مناسبی یافته است.

واندروود پژوهشگری تمام‌عیار است. داستانی هیجان‌انگیز را به شیوه‌ای عالی بیان می‌کند و چشم‌تیزبینی برای توصیفات جاندار دارد. در اثر حاضر او نه تنها از مواد و مصالح اسناد و گزارش‌های نشریات استفاده‌ی فراوان برده، بلکه با خانواده‌ی قربانی و پیروان خنوان نیز مصاحبه کرده است.

حاصل آن روایت در بیشتر مواقع به خوبی بیان می‌شود، گرچه گاه‌گاهی این‌جا و آن‌جا به سبب کمبود منابع در معرض خطر گسیختگی قرار می‌گیرد. واندروود این مشکلات را با تکمیل گزارش نمونه‌هایی از زمان‌ها و مکان‌های دیگر جبران می‌کند.

۱- شرکت مختلط رسانه‌ای که بنیانگذار آن ه. و. اسکریپز و هاوارد اسکریپز از اعضای اصلی آن بود.

بنابراین، او اعمال مذهبی در تیخونانا را با ارجاع به اعمال مذهبی در سایر جاهای مکزیک و امریکای لاتین و اروپا و ایالات متحده، تشریح می‌کند. در دور و زمانه‌ی تاریخ‌مآبی شدید و ویژه‌گرایی قوم‌نگارانه، چنین مقایسه‌ای شاید خوشایند برخی از خوانندگان نباشد، اما کارکرد آن خوب است. مقایسه‌ها اغلب مؤثر است و در مورد اعتقاد به آئیم‌ها و قدیسان جنگجو حواس خواننده را پرت نمی‌کند. واندروود از منابع قوم‌نگاری بهره می‌برد و در همدردی با مردم عادی می‌نویسد؛ او به تفاوت بین الگوهای فرهنگی و مراحل گسترده‌ی تاریخی از یک سو و بصیرت و مقصود افراد از دیگر سو، ارج می‌نهد.

پس طنز تاریخ و زندگی اجتماعی در تک نگاری‌های سابق و نیز این کتاب مشهود است. واندروود اعتقاد دارد که نظم اجتماعی در تعارض با بی‌نظمی اجتماعی است. افراد جبهه‌ی نظم فرقی با عاملان بی‌نظمی ندارند. در واقع، گاه‌گاهی مانند هم می‌شوند.

در قرن نوزدهم در مکزیک، راهزنان کشاورز می‌شدند و کشاورزان راهزن، کشاورزان مانند جلیکاران رفتار می‌کردند، در حالی که راهزنان مدنیت فراوانی نشان می‌دادند. در تیخونانا، نظم اجتماعی با اعدای به سببیت جنایت برقرار شد و جایی منحرفی به قدیس تبدیل شد. یا، آن طور که بسیاری از پیروان خونان معتقدند، کسی را به اشتباه قاتل معرفی کردند؟ یا این که بسیاری از پیروان در خفا شیطان را زیر نقاب قدیس عامه پرستش می‌کنند؟ در سراسر کتاب پرستش بیشتر از پاسخ است. مدارک فرعی در صحنه‌ی جنایت فراوان بود اما بیت‌خونان تجزیه و تحلیل نشده است. پس از دستگیری خونان، جمعیتی خواهان اینچ شکل شد. آن‌ها پاسگاه پلیس و قرارگاه ارتش و عمارت شهرداری را به آتش کشیدند. به ظاهر، منشاء اغتشاشات نه فقط جنایت بلکه نا آرامی‌های کل‌گری

جاری و نگرانی‌هایی درباره‌ی جنایات جنسی دو سوی مرز نیز بود. در جریان برای برقراری نظم به دست ارتش و پلیس، یک نفر کشته و چندین نفر مجروح شدند. خونان از دادگاه مدنی به دادگاه نظامی منتقل شد. اعدام او که شاید به دستور بالاترین مقامات حکومت مکزیک صورت گرفت، تلاش برای اعاده‌ی نظم بود، پیش از این‌که خشونت مهارناپذیر شود و به سایر بخش‌های کشور برسد. اما هیچ پرونده‌ی قضایی و سابقه‌ی فرمان اجرای "لی فوگا" در دست نیست. همسر عرفی او هم به ظاهر علیه وی شهادت داده است، اما از آن هم رونوشتی در دست نیست. آیا خونان گناهکار بود؟

"تئودور زابک" سال‌ها پیش گفته بود که جانی نامکشوف چیز اسرارآمیزی در خود دارد. جانی نامشخص تقریباً رعب‌آور است. مقالات روزنامه‌ها اذعان داشتند که بیشتر خانواده‌ی خونان چند روز پیش از جنایت در حوادثی جداگانه جان باخته بودند. این مصیبت‌های مضاعف به ظاهر بعید می‌نماید، ولی شاید حالت روحی او را بیان کند. اما این سر نخ، مانند سرنخ‌های دیگر، راه به جایی نمی‌برد؛ گرچه واندروود از زادگاه خونان در اوئاهاکا بازدید کرد. توانست چیزی در مورد وی به دست بیاورد. تاریخچه‌ی تیخونانا نشان می‌دهد که اوضاع و احوالی که منجر به اعتقاد شده شامل ابهام اخلاقی شهرهای مرزی بود: مردم تیخونانا اغلب قدیس‌مآب و خانواده‌مدارند، و با وصف براین، شالوده‌ی اقتصاد شهر تدارک فساد برای گردشگران شمال مرزی بود. بنابراین، این اندیشه به ذهن‌مان خطور می‌کند که آیا استحالته‌ی خونان صرفاً مکانیزمی برای انکار جنبه‌ی هرزه‌ی زندگی در تیخونانا بود. متأسفانه مدرک کافی برای تأیید این نظر یا نظریات دیگر در باب انگیزه‌های پنهان یا مفاهیم اجتماعی عرضه نمی‌شود.

تاریخچه‌ی تیخوانانا و تنش‌های اقتصادی آن نشان می‌دهد که این کیش، اگر چیزی بود، شاید در خلال سال‌ها رشد می‌کرد. شهرت خونان تقریباً در جنوب شرقی و سایر بخش‌های شمال غربی گسترده شده، ما از میزان طرفداران وی کاسته شده است. امکان درک بهتر مفهوم این اعتقاد با کاهش شور مذهبی همزمان شده است. واندرود با بیش از صد نفر از زائرین آرامگاه خونان دیدار کرده اما نتوانسته چیزی بیش از قوم‌نگاری سطحی از آن‌ها بیرون بکشد.

حیرت‌مان از پیرون خونان کمتر از خود خونان نیست. گرچه به فقدان کوشش و بینش نویسنده ارتباطی ندارد، پس بنابراین، شاید حیرت نهایی این باشد که روح خونان بر تحقیقات مذهبی پژوهشگران بیشتر ظاهر می‌شود تا بر مردم تیخوانانا.

جان.ام. اینگام

www.ketab.ir

مقدمه

وقتی که ده سال پیش برای اولین بار ماجرای خوئان سولدادو را شنیدم، واکنش من نظیر سایرین بود: "چطور چنین چیزی ممکن است؟" چطور می‌شود که قاتل تجاوزکار اعتراف کرده‌ای که به علت جنایت و خشونت‌های مکزیکی، درست در امتداد مرز خانه‌ی من در سن دیه‌گوی کالیفرنیا، قدیس معجزه‌گر محترمی به حساب آید؟

من چندین بار از بنده‌ای که قیر خوئان در آن قرار دارد دیدن کردم، با بسیاری از کسان که به او اعتقاد دارند (و ندارند)، گفت‌وگو کرده‌ام، و پیش از اینکه طرح دینداری عامیانه‌ای را که به اعتقاد من به ایمان منتهی می‌شود، تشخیص دهم، در باب ادیان و سایر منابع مطالعات عمیقی کرده‌ام، بایگانی‌ها را زیرورو کرده‌ام، با کشیش‌ها و دانش‌پژوهان و "حکیم‌باشی‌ها" و شکاکان گفت‌وگو کرده‌ام و تأملات فردی فراوانی داشته‌ام. این دقیقاً سیر خودشناسی نبود؛ من همیشه افراد با ایمان را ستایش کرده‌ام، شاید تاحدی به این علت باشد که ایمان خود من چندان محکم نیست. اما بررسی‌های من اعتقاد مرا به شیوه‌های حلقه‌ای فراوانی که مردم جستجو می‌کنند تا بر موانع زندگی خود فائق شوند و در مسیر خدایی گام بردارند، عمیق‌تر کرده است. ایمان آن قدرت را دارد که به فرد مجوزی برای آزادی دهد.

خونان با نام خونان کاستیو مورالس زندگی کرد. به جز این، اثبات حقایق زندگی وی دشوار است. به ظاهر او در روستای ایستالتپیک (که آن وقت‌ها شهری با دوازده هزار نفر جمعیت بود) در دل منطقه‌ی سایوتک در جنوب مکزیک به دنیا آمد و رشد کرد. گرچه در پرونده‌های واقعی اوراق کلیسای محل ذکری از تولد یا تعمیم وی نشده است. بیشتر خانوارهای ایستالتپیک با کشت ذرت و لوبیا روزگار می‌گذرانند اما باران‌های بی‌ثبات و بادهای خشک و گزنده، زندگی را برای‌شان دشوار کرده است. آن‌ها سنت‌های غنی و جشن‌های رنگارنگی دارند. اما آب مشروب کمیاب است و بیماری همه‌گیر، ماجرای خونان هر چه باشد، می‌دانیم که باید دوره‌ی ابتدایی را تمام کرده باشد چون برای ثبت نام در ارتش مکزیک، داشتن سواد اجباری بود و خونان پیش از سال ۱۹۳۸ به ارتش ملحق شده بود. آن سال بیست و چهار ساله بود و در تیخوانا مستقر شده بود - دور از خانه و خانواده و فرهنگ - جایی که سرنوشتش رقم خورد.

در ۱۴ فوریه‌ی خونان کاستیو مورالس به قتل و تجاوز به دختر هشت ساله اعتراف کرد و ارتش به سرعت دادگاه نظامی تشکیل داد و در ۱۷ فوریه او را بی‌رحمانه اعدام کردند پس از آن، کنجکاوی افراد محلی را به سر خاک سرباز آورد. آن‌جا آن‌ها آلبانه‌هایی را گزارش دادند - خونی که از زمین بیرون زده بود. آنیمای (روح) سرباز فریاد انتقام سر داده بود... کد نقشی در آرایش شدید دینداری بازی می‌کند و از دوران کودکی این معتقدات با آن‌ها عجین شده است. آن‌ها حضور خداوند را در ذهن‌شان احساس کردند. رحمت الهی را دیدند و باور کردند. در آن‌جا بقع‌های بنا کردند و امروزه خیل دایم معتقدان به زیارت آن می‌نوبد. برخی صرفاً برای اینکه با خونان تسکین پیدا کنند یا آرامش خودی بیابند.

اما بیشتر برای گرفتن حاجت می آیند- سلامتی، ازدواج خوب، پیوند یک خانواده‌ی از هم گسیخته، بچه دار شدن، سفر بی خطر به ایالات متحده، پول وام، در مدرسه نمرات خوب گرفتن، گذرنامه، گواهینامه، کارت اقامت گرفتن، ماشین، کار ثابت، آرامش فکری، بردن درلاتاری، خلاص شدن از دست مواد یا مشروب، صحیح و سالم از آمریکا برگشتن پسر، از زندان خلاص شدن پدر- همه و همه کاملاً نشان دهنده‌ی اوضاع قارچ مانند شهری است که بیش از دو میلیون جمعیت آن برای تعادل زندگی خود تلاش می کنند.

حاجت خواستن از چنین بقعه‌هایی بازتاب نیازها و اوضاع آن است اما سراسر این مذهب نیز انباشته از درخواست‌های مادی است. در عین حال مهاجران و رسانه‌ها شهرت خونان را در مکزیک و امریکا و رای آن پراکنده اند اما وقتی که من در جستجوی ریشه‌های خانوادگی خونان به ایستالتپک رفتم ساکنان آن جا نمی دانستند که یکی از پسرانش در شمال "قدیس" شناخته می شود. وقتی که چنین حرفی زدم، پیرمردی به آرامی نتیجه گرفت که "باید حقیقتی در او دیده باشند." در واقع آن‌ها چنین می دیدند.

از اوان مسیحیت، خود مردم به قدیسان تقدس بخشیده اند. کلیسای رسمی رومن کاتولیک مدعی مالکیت انحصاری چنین جریانی است اما مقدس سازی مردم حتی برای جنایتکاران اعتراف کرده کاملاً رایج است. در قضیه‌ی خونان سولدادو مردم در مدارک علیه وی، یا دست کم در سرعت و صحت دادرسی که به محکومیت وی منجر شد، تردید کردند. آن‌ها از اجرای عدالت در سراسر این جریان سریع و اعدام نمایی و عمداً بی رحمانه‌ی در ملاء عام حیرت کردند. برای بسیاری از شاهدان، گناه کمتر از عدالت آشکار اهمیت داشت.

برخی اعتقاد داشتند (و بسیاری هنوز بر این اعتقادند) که آن‌ها که به ناحق می‌میرند در جوار حق هستند. بنابراین خد خرفشان را می‌شنود و به خصوص شفاعت کنندگان مؤثری هستند. اعتقاد به خونان و حاجت خواستن برای کمک های شخصی پس از آن پیدا شد. معجزه‌هایی رخ داد- یا دست کم، دعاها و حاجت ها مستجاب شد- و مردم مدعی قدامت سرباز شدند. چنین مقدس سازی ای نتیجه ی نیازها و آرزوها و آمال و اعتقادات است.

ریشه های هر اعتقاد خاص با یک رشته واقعیت های محسوس عجین شده است- سیاست، جغرافیا، اوضاع اقتصادی، مناسبات اجتماعی و به اصطلاح طبع زمکله- در معتقدان تأثیر می گذارد. این عوامل با حساسیت های معنوی اش آمیخته می شود و وزن و اعتبار کسب می کند و میانجی می شود. تجربه های انسانی را نمی توان چندان با اصطلاحات مادی تشریح کرد. ابعاد روحی یا مذهبی همیشه در انگیزه و رفتار مؤثر است. قضیه ی خونان سولدا و ریشه های اعتقاد به وی نیز چنین است. جریانات بین المللی و دل مشغولی های ملی در خلال نیمه ی اول قرن گذشته به اهالی تیخونانا لطمه زد. رکبود بزرگ اقتصادی پیش آمد. روستاییانی که از امریکا، کشور مجاورشان رانده شده بودند در شهر اقامت کردند و باز به منابع ناهنجار گذشته تن دادند. پایان دوران قانون منع تولید و فروش و مصرف مشروبات الکلی از میزان گردشگری کاسته بود.

در مکزیکو کلیسا و دولت بر سر جنگ بودند: کلیساها به و کشیش ها تبعید شدند. یک رئیس جمهور تازه برنامه ی اصلاحات افراضی معشوشی را به اجرا در آورد و فرمان اصلاحات گسترده ی ارضی و شغلی و آموزشی را داد. اتحادیه های کارگری در تیخونانا بر سر کنترل

کارگران به نبرد برخاستند. به علاوه، سپاه اخلاق حکومت ملی، منابع اصلی مشاغل سودآور که قمارخانه‌ها باشد را بستند. صدها تن از سرپرستان خانواده مشاغل پر در آمد خود را از دست دادند و به کارهای هرچه پیش آید خوش آید رو آوردند. مردم به نحو احسن توانستند خود را تطبیق بدهند. برخی حتی از این تغییرات بهره‌مند شدند، اما تنش در شهر محسوس بود. بعد قتل و تجاوز نا به هنگام کودک پیش آمد. تیغ‌خونان در آشوب و ناامنی غرقه شد.

اعدام سرباز عطش انتقام بسیاری را بر طرف کرد. شهر آرام گرفت، و مردم شهر به فکر فرو رفتند که چه بر سر آن‌ها و اجتماع‌شان آمده بود. بعد گزارش‌هایی از رویدادهای اعجاب انگیز سر مزار داده شد که شروع اعتقاد بود امی و زه حاجت از خونان روی برگه‌های کاغذ و پشت عکس و ته چک بلیت نوشته می‌شود، یا روی دیوار بقعه خط خطی می‌شود. برخی از این حاجت خواستن‌ها خالصانه و جانسوز است و ناگوار و مصیبت بار است، بعضی خنده‌آور و بازیگوشانه است، باقی سراسر آکنده از اضطراب و وحشت است و انسانیت را نشانه می‌رود. اما پاسخی به آن‌ها داده می‌شود؟

مدارک همه جا در داخل بقعه پراکنده شده است. دیوار بیرونی پوشیده از پلاک‌های مرمری است که از معجزه‌هایی که گرفته شده سپاسگزاری شده است. در داخل چیزهایی مانند عصای جویی است ازل کسی که زمانی چلاق بوده و حال راه می‌رود، عینک سبولیک کسی که نابینا بوده و حال می‌بیند، لباس بچه‌ی نوزاد زوجی که پیشتر گمان می‌کردند عقیم هستند. برخی برای ابراز قدردانی نقاشی‌های قشنگی کشیده‌اند، برخی سوزن‌دوزی خانگی را وقف کرده‌اند. عده‌ی زیادی گردن‌بندی به دور گردن تصویر سرباز یا مجسمه‌ی او نهاده‌اند. تعدادی

اعتراف کرده‌اند که تاکنون حاجت‌شان هنوز روا نشده است، اما توضیح می‌دهند که خونان سرش شلوغ است. هر وقت که بتواند اجابت می‌کند. هیچ چیز بدیعی در اعتقاد به خونان سولدادو وجود ندارد. حتی اگر بسیاری (یا اکثریت) ما هرگز چنین اعتقادی را به چشم ندیده یا نیازموده باشیم.

در عوض، تاریخچه‌ی طولانی و جذابی پشت این گونه دلبستگی‌ها است که در مسیحیت و سایر ادیان رسوخ کرده. برای ستایش از آن نیازی نیست که فرد در چنین اعتقاداتی شرکت کند و یا حتی به آن ایمان داشته باشد. چون این اعتقادات بسیار انسانی‌اند، ما را به شیوه‌های نامنتظره‌ای ترغیب می‌کنند. بیگانگی کم کم آشنایی ایجاد می‌کند، هر گرایشی که نسبت به این موضوعات داشته باشید، مایه‌ی خوشوقتی است که شما را به خونان سولدادو معرفی کنم.

آر. جی. وی